

الگوی مصرف حاکم بر جامعه، جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد

انتشاره:

افراد جامعه با توجه به میزان درآمد شخصی، سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات، سلیقه و ریچان‌های خود و اطلاعات علمی که در اختیار دارند، روزانه بخشی از درآمدشان را به خرید اقلام خوراکی اختصاص می‌دهند.

تغذیه صحیح نه تنها از اتلاف درآمد خانوار و بروز خسارات اقتصادی برای کشور جلوگیری می‌کند، بلکه نسل سالم می‌تواند در فرآیند توسعه ملی، وظایف و سهم خود را ایفا کند و نقش کلیدی داشته باشد. اینکه هزینه‌های مصرفی خانوارها تا چه حد به درستی مصرف می‌شود و تأثیر آن بر حفظ سلامت افراد خانواده تا چه حد است، به الگوی مصرف خانوار بستگی دارد. هر اندازه که این الگو با معیارهای علم تغذیه همخوانی بیشتری داشته باشد، می‌توان ادعا کرد که مصرف منابع به صورت بهینه انجام شده است.

خبرنگار نشریه «پژوهش‌های بازرگانی» در گفت‌وگو با دکتر فرهاد خداداد کاشی، پژوهشگر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، موضوع الگوی مصرف خانوارهای ایرانی، درستی یا نادرستی الگوی کنونی، راه‌های اصلاح الگوی مصرف مواد خوراکی و نیز نظر اسلام در مورد الگوی صحیح مصرف را مورد بررسی و کنکاش قرار داده است.

دکتر خداداد کاشی به پرسش‌های خبرنگار ما چنین پاسخ داد:

■ الگوی صحیح مصرف خوراکی چه ویژگی‌ها و مشخصاتی دارد؟

۱- هر فرد یا خانوار با توجه به محدودیت‌های خود، ترکیبی از کالاها را انتخاب و مصرف می‌کند تا حداکثر مطلوبیت و رفاه را کسب نماید. اگر موضوع از دید فرد یا خانوار بررسی شود، به تعداد خانوارها می‌توان الگوی مصرف شناسایی کرد، زیرا هر یک مدعی است که بهترین الگوی ممکن را انتخاب کرده است.

اما از دیدگاه کلان اقتصادی، نگاه به الگوی مصرف متفاوت از دیدگاه خرد می‌باشد. دولت ممکن است براساس اهداف کلان اقتصادی مصرف بعضی کالاها را توصیه کند و یا با استفاده از ابزارهای مالیاتی، تعرفه‌ای، قیمت‌گذاری و... مردم را از مصرف برخی کالاها منصرف نماید. هنگامی که کشور با کسری تراز بازرگانی خارجی مواجه است، انتظار می‌رود که دولت با اعمال سیاست‌هایی، مصرف کالاها و وارداتی

را کاهش دهد یا در هنگام بروز تنگناهای بودجه‌ای مردم را به صرفه‌جویی در مصرف کالاها و خدمات تشویق نماید. به‌طور اساسی، الگوی مصرف بهینه خوراک در حوزه علم تغذیه موضوعیت دارد، اما در حوزه علم اقتصاد، رعایت الگوی مصرف خاص متأثر از ملاحظات کلان اقتصادی است.

■ با توجه به میانگین مصرف سرانه مواد خوراکی در ایران، الگوی تغذیه مردم تا چه حد با الگوی صحیح

مصرف خوراک سازگار است و همخوانی دارد؟

□ در این زمینه ضرورت دارد که در ابتدا الگوی واقعی مصرف خانوارها را شناسایی کرد و سپس الگوی مصرف صحیح را مشخص نمود تا با مقایسه این دو، میزان انحراف آنچه هست با آنچه باید باشد، مشخص گردد. اگر مراد از الگوی مصرف صحیح، توصیه‌های متخصصان تغذیه باشد، می‌توان کمبودها و نقایص الگوی مصرف کنونی را شناسایی کرد. یافته‌های پژوهشی دلالت بر آن دارد که ۱۰ تا ۲۰ درصد مردم در ایران (اعم از شهرنشینان و روستاییان) با کمبود انرژی (کالری) مواجه هستند. البته کمبود کالری مشکل غیرقابل حلی نیست، اما مشکل اساسی در تغذیه خسانوارهای ایرانی، کمبود دریافت پروتئین با منشأ حیوانی و نیز دریافت کمتر از حد استاندارد ریزمغذی‌هاست. البته ناگفته نماند که رفتار مصرفی بخشی از افراد جامعه به لحاظ دریافت بیش از حد مواد غذایی نسبت به الگوی مصرف توصیه شده از سوی متخصصان علم تغذیه سازگار نیست.

طبق
آمارهای موجود
در سال ۱۳۷۵،
۴۷ درصد
انرژی فرد
شاخص شهری
با مصرف نان

تأمین شده است، در حالی که فرد شاخص دهک اول (درآمدی) ۶۵ درصد انرژی دریافتی را با مصرف نان به دست آورده است.

از سوی دیگر بررسی ترکیب اقلام خوراکی خانوارها نشان می‌دهد که ۸۱/۵ درصد پروتئین دریافتی دهک اول خانوارهای شهری و ۹۴ درصد پروتئین دریافتی دهک اول خانوارهای روستایی

از اقلامی حاصل شده که منشأ گیاهی داشتند.

بررسی رفتارهای مصرفی خانوارهای ایرانی نشان می‌دهد که آنها در تأمین انرژی (کالری) به شدت به نان (گندم) وابسته هستند و بسیار فراتر از حد توصیه شده، نان مصرف می‌کنند.

نسبت انرژی دریافت شده از نان به میزان مورد توصیه از سوی متخصصان تغذیه برای فرد شاخص شهری ۲۳۰/۴ درصد است. این نسبت برای دهک اول و دهم به ترتیب ۲۲۹ و ۲۱۷/۷ درصد در سراسر کشور می‌باشد. این نسبت‌های نامتعادل البته با شدت کمتر در مورد قند و شکر و نیز روغن نباتی مصداق دارد.

آمارها نشان می‌دهد که میزان انرژی دریافت شده از قند و شکر برای فرد شاخص شهری و روستایی به ترتیب ۱۳/۵ و ۳۱ درصد بیش از حد توصیه شده از سوی متخصصان تغذیه است. میزان انرژی دریافتی از روغن نباتی نیز برای فرد شاخص شهری و روستایی به ترتیب ۱۸ و ۳۱ درصد بیش از حد توصیه شده می‌باشد.

○ الگوی مصرف بهینه خوراک در موزه علم تغذیه موضوعیت دارد، اما در موزه علم اقتصاد، رعایت الگوی مصرف فاص متأثر از ملاحظات کلان اقتصادی است.

در همین حال میزان انرژی دریافتی از قند و شکر برای فرد شاخص در دهک اول شهری و روستایی به ترتیب ۱۷/۵ و ۱۱/۲ درصد کمتر از حد توصیه شده و میزان انرژی دریافتی از روغن نباتی از سوی آنها به ترتیب ۱۹ و ۱۷ درصد کمتر از حد توصیه شده می‌باشد.

این آمارها همچنین نشان می‌دهد که میزان انرژی کسب شده از قند و شکر

برای فرد شاخص دهک دهم شهری و روستایی به ترتیب ۹۷/۹ و ۱۱۳ درصد بیش از حد توصیه شده بوده است. این فزونی کسب انرژی از روغن نباتی برای همین افراد به ترتیب ۵۱ و ۱۱۶ درصد نسبت به حد توصیه شده بوده است.

■ زیان‌های اقتصادی ناشی از عدم رعایت الگوی صحیح مصرف خوراکی‌ها در سطح خرد (خانوارها) و کلان (اقتصاد کشور) چیست؟

□ به‌طور اساسی نمی‌توان برای تمام خانوارها یک الگوی خاص به عنوان الگوی مصرف بهینه پیشنهاد کرد، زیرا هر خانوار بنا بر سلیقه، اطلاعات در دسترس، تجربیات گذشته، قیمت‌های نسبی کالاها و درآمد خود، الگوی مطلوبش را تعیین می‌کند و به‌طور کلی خانوارها در تصمیم‌گیری مربوط به خرید و مصرف کالاها متأثر از اطلاعات و علایم در دسترس می‌باشند.

اگر یک الگوی مصرف بهینه برای خوراک قایل شویم و به عبارتی الگوی مصرف موردنظر مراجع علم تغذیه را بپذیریم، آنگاه انحراف از این الگو بر خانوارها و اقتصاد کشور، هزینه‌هایی را تحمیل می‌کند. عدم دریافت مواد مغذی به میزان کافی و ویتامین‌ها و

موادی نظیر آهن، ید، کلسیم و... در برنامه غذایی روزانه خانوارها در درازمدت سلامت جامعه را به خطر می‌اندازد و در نتیجه خانوارها و دولت باید مخارج گزافی بابت درمان پرداخت کنند.

علاوه بر آن بخشی از نیروی کار جامعه به دلیل درگیر شدن با انواع بیماری‌ها، در فرآیند توسعه نقش مؤثری

نخواهند داشت. اگر دولت بنا بر ملاحظات کلان اقتصادی، الگوی خاصی را پیشنهاد کند، عدم رعایت آن موجب انحراف منابع از فعالیت‌های پیش‌بینی شده و اختلال در تخصیص منابع خواهد شد.

■ اگر بخواهید تعریفی از الگوی مصرف ارائه دهید، این تعریف چیست؟

□ الگوی مصرف عبارت است از رفتار افراد، خانوارها یا کل جامعه در انتخاب، خرید و مصرف کالاها و خدمات. رفتار مصرفی افراد متأثر از رجحان‌ها، سلیق و محیط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آنها می‌باشد.

هر فرد یا خانوار با توجه به محدودیت‌های درآمدی و قیمت‌های نسبی (شرایط اقتصادی) و ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی

شرایط اجتماعی، سبب مصرفی خود را انتخاب و اقلام موردنیاز را خریداری می‌کند. رفتار مصرفی هر فرد تحت تأثیر عوامل متعددی است. قدر مسلم آن است که میزان درآمد و ثروت فرد و همچنین قیمت‌های نسبی که با آن مواجه است، نقش تعیین‌کننده در نوع کالاهایی که مصرف می‌کند، دارد. علاوه بر این هر فرد دارای سلیق خاص خود می‌باشد و لذا این سلیق و ترجیحات وی را در انتخاب و مصرف کالاها هدایت می‌کند. از سوی دیگر هر فرد یا خانوار تحت تأثیر رفتار مصرفی نزدیکان و اطرافیان خود نیز مبادرت به خرید و مصرف کالاها می‌کند. همچنین افراد یک

گروه یا جامعه علی‌رغم تفاوت‌های اقتصادی و سلیق معیشتی متأثر از یک مجموعه عواملی هستند که موجب شباهت مصرف آنها می‌شود، از این جمله می‌توان به ارزش‌های اخلاقی، عوامل فرهنگی، دینی یا طبقه اجتماعی، شرایط کلان اقتصادی مثل رونق، رکود، کسری بودجه، تراز تجاری و یا مقررات و کنترل‌های دولتی اشاره کرد. شناخت الگوی مصرف در واقع درک واکنش مصرف‌کنندگان نسبت به تغییر شرایط می‌باشد.

با شناخت الگوی مصرف خانوارها می‌توان پیش‌بینی نمود که آنها تحت

○ به دلیل کمبود منابع و امکانات، تجدیدنظر و اصلاح الگوی مصرف در جامعه اجتناب‌ناپذیر است. الگوی مصرف ما که بر جامعه تمامی جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور را متأثر می‌سازد و در واقع این بخش مصرفی است که به سایر بخش‌های اقتصادی سفارش می‌دهد که چه چیز و به چه میزان تولید شود.

شرایط مختلف چگونه واکنش نشان می‌دهند. این امر کمک می‌کند تا دولت سیاست‌های توزیعی و تخصیصی خود را بهتر تدوین کند.

به‌طور کلی الگوی مصرف و شناسایی آن مسأله پیچیده‌ای است و برای آن نظریه‌های مختلف از حوزه‌های مختلف علوم وجود دارد. برای مطالعه و شناخت رفتار مصرف‌کننده‌ها و الگوی حاکم بر رفتار مصرفی آنها باید به ملاحظات مربوط به علم تغذیه، روانشناسی فردی و اجتماعی، جسامه‌شناسی و جمعیت‌شناسی و بالاخص علم اقتصاد توجه داشت.

■ نقش عوامل سیاسی، اجتماعی،

فرهنگی و اقتصادی در رفتارهای مصرفی مردم را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

□ الگوی مصرف نتیجه و برآیند مجموعه‌ای از عوامل مختلف می‌باشد و بسته به میزان و شدت تأثیر هر یک از این عوامل، الگوی مصرف می‌تواند متفاوت باشد. در رأس این عوامل می‌توان به عوامل اقتصادی اشاره کرد. به نسبت سطح درآمد جامعه و توان تولیدی کشور، میزان برخورداری افراد جامعه از کالاها و خدمات مصرفی متفاوت خواهد بود. اما مسأله به این سادگی نیست، زیرا الگوی مصرف جامعه از عوامل دیگری همچون توزیع درآمدها

و به ویژه سیاست‌های مالی، پولی و ارزی و بازرگانی و حمایتی مؤثر می‌باشد.

در جامعه ایران و به‌ویژه در مناطق شهری، تشریفاتی از مردم از

درآمدهای بالا برخوردار هستند و لذا یک دوگانگی در مصرف جوامع شهری دیده می‌شود، به طوری که بخش کم درآمد در شرایطی، از رفتار مصرفی گروه‌های پردرآمد الگو برداری می‌کنند.

عادات مصرفی گذشته که به‌طور اخص از سال ۵۳ به بعد شکل گرفته است، نیز گرایش به مصرف کالاهای خارجی را نزد مردم تقویت نموده است. از سوی دیگر جنگ و تداوم آن در طی هشت سال، گرایش خرید و نگهداری کالاها جهت مقابله با کمبود را در نزد افراد تقویت کرده است. البته بخشی از مردم با خرید کالاهای با دوام، درصد جلوگیری از کاهش ارزش دارایی‌ها و

ثروت خود می‌باشند.

در همین حال سیاست‌های حمایتی دولت جهت تثبیت شرایط زندگی گروه‌های کم‌درآمد به دلیل تأثیری که بر قیمت‌های نسبی داشته است، بر ترکیب سبد مصرفی خانوارها تأثیر گذارده است. سیاست‌های ارزی و اجرایی برنامه تعدیل ساختاری با هدف اصلاح نظام اقتصادی موجب افزایش قیمت بعضی از کالاها و خدمات شده است که مسلماً این امر بر مصرف این کالاها بی‌تأثیر نبوده است.

در عین حال سیاست‌های بازرگانی در دوره‌های مختلف واردات یا صادرات بعضی از کالاها را مجاز و یا

محدود کرده است که این امر نیز بر دسترسی و مصرف کالاها و خدمات مختلف تأثیرگذار بوده است.

از سوی دیگر فرهنگ حاکم بر افراد و محل زیست جغرافیایی نیز بر رفتار مصرفی و پس‌انداز خانوارها مؤثر بوده است، به طوری که مردم بعضی از مناطق کشور به طور ذاتی تمایل به قناعت و پس‌انداز هستند.

■ به نظر جناب‌عالی الگوی مصرف کنونی مردم چه معایبی دارد و این نقایص از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

□ قبل از آنکه معایب الگوی مصرف را شناسایی کنیم، باید ملاک و سنگ محکی در اختیار داشته باشیم تا با مقایسه الگوی مصرف واقعی با آن بتوان زمینه‌های انحراف از الگوی بهینه را شناسایی کرد تا سپس بتوان نسبت به تصحیح آن اقدام نمود.

عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای شهری و روستایی و مقایسه آن با ملاحظات علم

تغذیه دلالت بر آن دارد که اولاً بخشی از افراد جامعه از تغذیه قابل قبول برخوردار نیستند و مواد مغذی به اندازه کافی به آنها نمی‌رسد. این امر تا حدی ناشی از کمبود درآمد و فقدان آگاهی از تغذیه صحیح می‌باشد.

بخشی دیگر از معایب الگوی مصرف را می‌باید در اخلال‌های قیمتی دید. اخلال‌های قیمتی تحت شرایطی موجب مصرف بیش از حد بعضی از اقلام و مصرف کمتر از حد استاندارد

○ باید فواص هر یک از اقلام مصرفی، نظرات و دیدگاه‌های اسلام برای عموم افراد جامعه تبیین و تشریح گردد تا مردم با شناخت از فواص اقلام و با توجه به درآمد فویش به تصمیح سبد مصرفی مبادرت ورزند.

دیگر اقلام می‌شود.

فقدان پیوستگی و ارتباط بین توان تولید جامعه و الگوی مصرف فعلی نیز یکی از دلایل عدم رعایت الگوی صحیح تغذیه می‌باشد. این امر تا حدی ناشی از عادات مصرفی گذشته و برخورداری قشر کلی از افراد جامعه از درآمدهای هنگفت می‌باشد. رفتار مصرفی گروه‌های پردرآمد به عنوان گروه مسلط، خانوارهای کم‌درآمد را متأثر ساخته است. دولت با تکیه بر سیاست‌های بازرگانی، ارزی و سایر تمهیدات همچون افزایش آگاهی‌های فردی و تبلیغات درصدد مقابله با این امر بوده است.

■ تا چه حد به ضرورت اصلاح الگوی مصرف عقیده دارید؟

□ از سال ۱۳۶۸ به بعد، اجرای برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ایران آغاز شد. حصول اهداف این برنامه به عوامل مختلفی از جمله رفتار پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و

مصرف افراد وابسته بوده و هست. مصرف و پس‌انداز دو روی یک سکه هستند. هر چه میل به مصرف از محل درآمد بیشتر باشد، امکان افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه توان فیزیکی اقتصاد کمتر خواهد بود.

اقتصاد ایران برای دستیابی به اهداف از قبل تعیین شده، به منابع سرمایه‌گذاری نیازمند است. در حال حاضر مسأله سرمایه‌گذاری خارجی مطرح است که این دلالت بر عدم کفایت امکانات داخلی

دارد. با این اوصاف ملاحظه می‌شود که بخشی از درآمد ارزی کشور صرف تهیه و مصرف کالاهایی

می‌شود که منشأ آنها در خارج از کشور است و به طور اساسی کمکی به گردش چرخ‌های اقتصاد نمی‌کند.

بنابراین به دلیل کمبود منابع و امکانات، تجدیدنظر و اصلاح الگوی مصرف اجتناب‌ناپذیر است. در سایه اصلاح الگوی مصرف می‌توان دستیابی به اهداف توسعه‌ای را تسریع نمود، زیرا الگوی مصرف حاکم بر جامعه تمامی جنبه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور را در جای خود متأثر می‌کند و در واقع این بخش مصرف است که به سایر بخش‌های اقتصاد سفارش می‌دهد که چه چیزی را و به چه میزان تولید کند.

■ چگونه می‌توان الگوی مصرف مواد خوراکی را در جامعه ایرانی اصلاح کرد؟

□ لازم به توضیح است که اقتصاد علم تخصیص منابع در شرایط کمیابی است و پاسخ ما به این سؤال با عنایت به

نیازهای متنوع و نامحدود جامعه و امکانات محدود می‌باشد. در واقع ما به این امر واقف هستیم که هر یک از افراد جامعه با توجه به ترجیحات و درآمد خود و قیمت‌های نسبی بهترین سبد ممکن را انتخاب و مصرف می‌کند. در سطح کلان، ملاک ارزیابی راجع به الگوی مصرف، متفاوت می‌باشد و با توجه به توان اقتصادی کشور و اولویت‌هایی که توسط مسئولان تعریف می‌شود، تغییراتی در الگوی مصرف فعلی ضروری به نظر می‌رسد.

شناخت الگوی مصرف و تعیین اولویت‌های کشور مقدم بر هرگونه تغییری است و به‌طور اساسی تغییر در الگوی مصرف،

هنگامی قابل طرح است که انحراف الگوی مصرف واقعی از الگوی مصرف بهینه شناخته شده باشد. در تبصره ۲۹ دومین برنامه توسعه اقتصادی کشور بر ترویج الگوی صحیح مصرف و اشاعه فرهنگ استفاده مناسب از تولیدات داخلی و منابع خارجی، مبارزه با اسراف و تبذیر و گسترش و ترویج فرهنگ کار و تولید، ساده‌زیستی متناسب با امکانات و شؤون جامعه اسلامی تأکید شده است. البته در این تبصره اگر چه تعریف جداگانه‌ای برای الگوی صحیح مصرف ارائه نشده است، ولی با توجه به تأکید این تبصره بر استفاده از تولیدات داخلی و مبارزه با اسراف و تبذیر، ساده‌زیستی و غیره، می‌توان تشخیص داد هدف برنامه‌گذار، سازگار نمودن مصرف افراد جامعه با شرایط و امکانات موجود می‌باشد. برای دستیابی به اهداف فوق،

استفاده از ابزارهای فرهنگی و تبلیغاتی جهت آموزش افراد در مصرف کالاها به ویژه اقلام خوراکی، حذف اخلاص‌های قیمتی، هدفمند نمودن یارانه‌ها، افزایش کارآیی فنی از طریق آموزش برای افزایش میزان تولید و توان تولید در جامعه، تصحیح نظام پرداخت‌ها و حذف فرصت‌های رانت‌جویی به‌منظور استفاده مولد از منابع انسانی و غیرانسانی و کاهش نابرابری درآمد و نیز استفاده از تبلیغات فرهنگی جهت محو عادات

○ استفاده از ابزارهای فرهنگی و تبلیغاتی، حذف اخلاص‌های قیمتی، هدفمند نمودن یارانه‌ها، افزایش کارآیی فنی، تصحیح نظام پرداخت‌ها و حذف فرصت‌های رانت‌جویی و استفاده از تبلیغات فرهنگی برای محو عادات مصرفی غلط گذشته برای اصلاح الگوی مصرف در برنامه دوم توصیه شده است.

مصرفی غلط گذشته توصیه می‌شود. ■ **راهکارهای عملی که تاکنون برای اصلاح الگوی مصرف توصیه شده است، چیست؟** □ مشکلی که ما با آن مواجه هستیم، تعیین الگوی مصرف بهینه نیست، زیرا برای مثال در بعد اقلام خوراکی، متخصصان علم تغذیه الگوی مصرف را برای افراد متناسب با سن، جنس و زندگی در شرایط آب و هوایی مختلف تعیین می‌کنند. مشکل اصلی پیروی خانوارها از الگوی مصرف بهینه است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، هر فرد با توجه به امکانات و سلیقه خود، از کالاها و خدمات، آن ترکیبی را انتخاب می‌کند که رفاهش را حداکثر کند و لذا همان ترکیب، بهترین الگوی مصرف از نظر وی می‌باشد. اما با توجه به ملاحظات کلان اقتصادی، دولت ممکن است الگوی مصرف فعلی را صحیح

نداند و درصدد اصلاح آن برآید. برای مثال ممکن است میزان مصرف کالاهای لوکس و وارداتی بسیار بالا باشد و با توجه به توان کشور چنین وضعیتی مطلوب تشخیص داده نشود و یا ممکن است میزان مصرف آب و انرژی در سطح خانوارها و صنایع، متضمن کارآیی نباشد و یا با توجه به ملاحظات تغذیه‌ای، متخصصان ممکن است به این نتیجه برسند، ترکیب اقلام موجود در سبد غذایی خانوارهای ایرانی، مناسب نمی‌باشد و لذا

هدایت و آموزش افراد و خانوارها را توصیه کنند. بنابراین با توجه به اولویت‌های کلان اقتصادی و اولویت‌های

تغذیه‌ای، دولت با روش‌های مختلف درصدد اصلاح الگوی مصرف فعلی برآمده است. در پاسخ به این امر در شورای عالی الگوی مصرف مواردی به تصویب رسیده است.

اجرای مصوبات این شورا به شیوه‌های مختلف امکان‌پذیر است. بخشی از اقدامات به صورت ایجاد و توسعه امکانات و تأسیسات خاص می‌باشد، مانند: اقدام به ایجاد نیروگاه‌های برق‌آبی، دوسوخته کردن خودروها، اجرای پروژه اتوبوس برقی، استفاده از قطارهای سنگین جهت بهره‌برداری بهینه از ظرفیت خطوط و ناوگان حمل و نقل و توسعه ناوگان اتوبوسرانی که اینها اقداماتی هستند که نیاز به تأمین منابع دارند و بخشی از این اقدامات اتمام یافته و اثرات آنها محقق شده است و برای تحقق بعضی دیگر از اقدامات به زمان نیاز است و بعضی از

اقدامات هنوز به مرحله انجام نرسیده یا مسایلی لازم بر اجرای آنها وجود ندارد. بخش دیگری از اقدامات به شکل آموزشی و تبلیغات می‌باشند، تا مصرف‌کنندگان از اطلاعات کافی برخوردار شوند و روش مصرف خود را تصحیح نماید.

بخشی از اقدامات به شکل قوانین و مقررات می‌باشند مانند: تصحیح نرخ‌گذاری کالاها و خدمات

○ ایجاد و توسعه امکانات و تأسیسات فاص، آموزش و تبلیغات، تصحیح قوانین و مقررات و نیز مدیریت مصرف از راهکارهای اصلاح الگوی مصرف است که بنا به اولویت‌های کلان اقتصادی و تغذیه‌ای توصیه شده است.

دولتی، اعمال تعرفه‌های تصاعدی جهت جلوگیری از مصرف بی‌رویه آب و انرژی و تنظیم ساعات کار اصناف.

بخشی از اقدامات نیز مربوط به سطح مدیریت است. در مجموع می‌توان اظهار داشت بسیاری از اقدامات انجام شده در تصحیح الگوی مصرف و هدایت مصرف‌کنندگان، مؤثر بوده است و برای محقق شدن تأثیر بخش دیگری از اقدامات به زمان نیاز است. در صورت تأمین منابع مالی لازم و کوشش بیشتر در جهت آموزش و تبلیغات، می‌توان به تصحیح رفتار مصرفی در آینده امیدوار بود.

در همین حال هماهنگی و همکاری دستگاه‌های مختلف و پرهیز از رایه پیشنهادی بعضاً متضاد توسط دستگاه‌های دولت، بر میزان و سرعت تأثیر این اقدامات می‌افزاید.

■ نقش تربیت مذهبی در رعایت الگوی صحیح خوراک چیست و تا چه حد در جامعه ما جا افتاده است؟

ادین اسلام به عنوان یک شریعت کامل و جامع برای سعادت‌مندی انسان در دنیا و آخرت، دستورات (واجبات) و توصیه‌ها (مباحات) فراوانی دارد که در

قرآن کریم و از طریق روایات، تحت ابواب متعدد در کتب فقهی و در رساله‌های عملیه (از طهارت تا قصاص و دیات) و نحوه کسب حلال تحت ابواب مکاسب، مستأجر و... راهنمای جامعه اسلامی است.

خذلان در آخرت و اضرار به جسم وی خواهد شد. اما در زمینه محرمات و یا به تعبیری واجبات مصرف در اسلام توجه به نکات زیر امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد:

۱- کسب درآمد برای خرید مایحتاج باید از طریق حلال و راه‌های مشروع حاصل شده باشد. در غیر این صورت حتی اگر مصرف

شیء خریداری شده از نظر شرع مباح هم باشد (یعنی جزء نجاسات و ناپاک‌ها نباشد) باز هم مصرفش برای فرد حرام می‌باشد. (نساء/۲۹) بنابراین کسی که از راه رشوه‌خواری و یا دزدی و یا دیگر راه‌های غیرمشروع کسب درآمد کند و از آن طریق مایحتاج زندگی خود را تأمین کند، این مصرف از نظر اسلام، حرام و باعث گرفتاری وی خواهد شد و وی هیچ‌گاه به مدارج بندگی خدا نخواهد رسید.

۲- دومین عامل در زمینه واجبات مصرف این است که شیء مورد مصرف باید طیب و پاکیزه بوده و از نجاسات و پلیدی‌ها به دور باشد. (بقره/۸۸ و مائده/۴) بنابراین فرد مسلمان نمی‌تواند از راه مشروع کسب درآمد کند و سپس آن را به مصرف هر چیزی برساند.

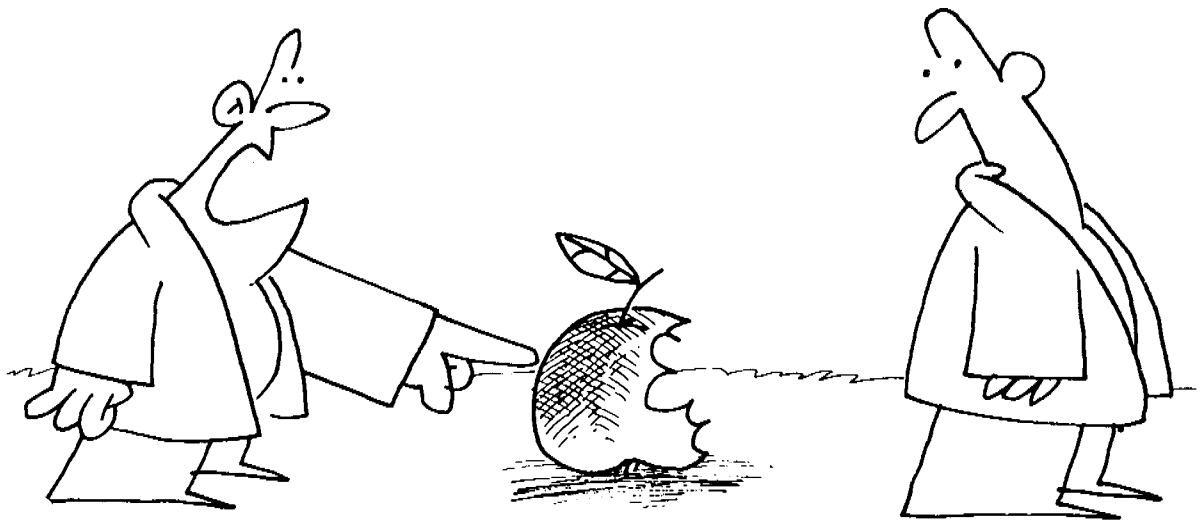
۳- سومین مورد در زمینه واجبات مصرف این است که مصرف نباید موجب اضرار به خود و دیگران باشد (لاضرر و لااضرار فی الاسلام) (وسایل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۷۶).

بنابراین برخی از مصارف حتی اگر جنبه‌های حلال و طیب بودن آن نیز رعایت شود، چون باعث ضرر به انسان

مصرف اقلام خوراکی تحت ابوابی چون: اطعمه و اشربه، صید و ذباجه، زکات، خمس و... در کتب فقهی به طور مفصل مورد بحث قرار گرفته که تا حد زیادی راهگشا بوده ولی به لحاظ اینکه کتب فقهی به زبان عربی است، عموم افراد جامعه از بهره‌گیری از آنها محروم هستند و تنها عده‌ای قلیل به لحاظ آشنایی با متون فقهی از آن استفاده کرده‌اند که آنها نیز به دلیل عدم انسجام و پراکندگی از بهره‌گیری تام و کامل بی‌نصیب مانده‌اند.

به هر حال از نظر اسلام، مصرف، به منظور رفع نیاز واقعی انسان و با هدف بندگی خداوند صورت می‌گیرد. در واقع اگر چه همه چیز را خداوند مسخر انسان نموده، ولی هدف انسان مصرف به هر گونه و هر مقدار نیست، بلکه وی باید به نوعی از نعم الهی بهره‌گیری نماید تا اسباب سعادت و رستگاری وی در آخرت فراهم شود.

از دیدگاه اسلام مصرف دارای محرمات (واجبات) و مباحاتی (مکسروهات و مستحبات) است که رعایت آنها باعث بندگی و سعادت و عدم ملاحظه آنها عامل طغیان و سرکشی و



بسه موقع)، تأثیر زیادی در کاهش هزینه‌های درمانی و افزایش امید به زندگی دارد، چنان که از رسول خدا (ص) نیز منقول است که معده مرکز همه دردهاست و منشأ همه بیماری‌ها از معده آغاز می‌شود. همچنین مصرف صحیح از اسراف جلوگیری نموده و تأثیر زیادی در خودکفایی جامعه و احیای صادرات مازاد تولیدات خواهد داشت.

اما اینکه تعالیم اسلامی تا چه حد در جامعه ما جا افتاده، باید گفت که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روی تصحیح الگوی مصرف موجود و جایگزین کردن آن با الگوی مصرف اسلامی کار اساسی و بنیادی انجام نداده‌ایم. بنابراین در شرایط فعلی و با توجه به وضعیت اقتصادی جامعه، لزوم یک کار تبلیغی - فرهنگی مستمر در کشور ضروری به نظر می‌رسد، زیرا آنچه در جامعه فعلی مشاهده می‌گردد، این است که هر یک از خانوارها با توجه به میزان آگاهی و اطلاعات خویش و نیز درآمد خود، الگویی را برای خویش ترسیم کرده که با الگوی استاندارد و اسلامی فاصله زیادی دارد.

علم حضوری درمی‌یابد که تشنه و یا گرسنه است و نیاز به مصرف و رفع احتیاج خود دارد. اما حد مصرف و اندازه مصرف کجاست؟ و فرد تا چه میزانی مجاز به مصرف است تا مفید به حال وی (چه از نظر فیزیکی و چه از نظر عبودیت و بندگی وی) باشد و اگر بیشتر از آن مصرف کند به وادی اسراف وارد خواهد شد؟

نکته دیگری که اسلام در بعد اجتماعی به آن تأکید دارد، رعایت حال مسلمانان جامعه در مواقع تنگی اقتصادی می‌باشد. همچنان که ائمه اطهار در زمان سختی اقتصادی حاکم بر جامعه، آنچه در منزل داشتند می‌فروختند و خرید خود را روزانه، آن هم به صورت مخلوطی از دو جنس مرغوب و پست انجام می‌دادند. بنابراین فرد ممکن است که از نظر امکانات مالی قادر به مصرف مناسب حتی در شرایط بد اقتصادی هم باشد، ولی اسلام به ما می‌گوید که باید رعایت حال عموم مردم را کرد و گرنه ما به هدف نهایی مصرف که همانا بندگی خداست، نخواهیم رسید.

به هر حال اسلام دارای دستورات و توصیه‌هایی است که رعایت آنها ضمن تصحیح سبب مصرفی (مصرف بجا و

اعم از بدن و یا زندگی فرد) می‌گردد، حرام است. مانند مصرف برخی از غذاهای خاص برای بیمار و یا مصرف برخی اقلام به طوری که باعث عسر و حرج افراد جامعه و اضرار به آنها شود.

۴- چهارمین عامل در زمینه واجبات مصرف از دیدگاه اسلام، رعایت حد مصرف و جلوگیری از اسراف و تبذیر است، چنان که قرآن کریم اسراف (اصراف/۱) و تبذیر (اسراء/۲۶) را حرام دانسته است. البته باید توجه داشت که تبذیر در واقع نوعی اسراف است، منتهی با ریخت و پاش به طوری که فرد مبذر، قرین به افلاس و ورشکستگی می‌باشد و به همین لحاظ قرآن کریم مبذر را اخوان الشیاطین نام می‌برد و تبذیر را بدتر از اسراف می‌داند.

بنابراین مصرف، اگر می‌خواهد که به وادی حرام نیفتد، باید دارای چهار وجه نام برده شده باشد و اگر یکی از موارد رعایت نگردد، مصرف صورت گرفته، حرام بوده و باعث گرفتاری انسان می‌گردد و وی را از مقصود نهایی (بندگی خود) محروم می‌نماید.

اما انسان در زمینه اقلام خوراکی از طریق علم حضوری، آگاه به نیاز واقعی خود به مصرف می‌گردد، یعنی توسط